

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۲، ش ۳ (پیاپی ۲۷)، پاییز ۱۴۰۰

صص: ۳۴-۱۱

شاپا: ۸۴۵۷-۲۲۵۱

تأثیر زیست بوم‌های زمانی در اشعار اخوان ثالث و شفیعی کدکنی از منظر نقد بوم‌گرا

دکتر نرگس ادیب‌راد

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

بررسی مسائل محیط زیست و طبیعت در ادبیات یکی از ضرورت‌های پژوهش‌های بینا رشته‌ای در عصر حاضر است. این مقاله در پاسخ به این سوال که "پیوند ادبیات با محیط زیست چگونه می‌تواند نقش مهمی در انتقال اندیشه‌های زیست محیطی در شعر معاصر ایفا کند؟"؛ به بررسی درون مایه و مضمون اصلی اشعار اخوان ثالث و شفیعی کدکنی از منظر نقد بوم‌گرا پرداخته، تفاوت‌ها و اشتراکات آن‌ها را در راستای ادبیات و محیط زیست بیان می‌کند. در این پژوهش که از نظرهدف، کاربردی، از نظر نحوه‌ی گردآوری، توصیفی-تحلیلی از نوع اسنادی بوده، نتایج ذیل به دست آمده است: شباهت اندیشه‌ی زیست بوم و طبیعت محور از منظر نقد بوم‌گرا میان آثارشاعران، ناشی از روحیات و سرشت مشترک انسانی و نیز معلول شباهت برخی عوامل تأثیرگذار محیطی مانند ۱- شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی جامعه ۲- تأثیر محیط زندگی، دوران کودکی و جوانی آنها است. نتایج به دست آمده در شعر شاعران، لزوم توجه به طبیعت و زیست بوم و آگاهی بخشی برای حفاظت از آن، علاوه بر بستر سازی برای بیان مقاصد سیاسی، سبب شده از شعر به عنوان رسانه‌ای زیست محیطی فرهنگی استفاده شود.

واژگان کلیدی: طبیعت، محیط زیست، اخوان ثالث، شفیعی کدکنی، نقدبوم‌گرا

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

Email: n.adibrad1339@gmail.com

۱- مقدمه

نقد ادبی پس از بررسی سره و ناسره‌ی متون ادبی که در آن‌ها متن ادبی به دور از عوامل فرامتنی مورد بررسی و نقد قرار می‌گرفت؛ اکنون وارد مرحله‌ی جدیدی شده است که در آن متن (منظوم و منثور)، نوعی پاسخ به رخدادهای دنیای پیرامونی به شمار می‌آید. نقد بوم‌گرا نیز حوزه‌ی جدیدی در نقد ادبی است که از این دریچه به ادبیات و متون ادبی می‌نگرد؛ حاصل این رویکرد، پیوند ادبیات با دانش‌های تجربی و علوم انسانی است که شکل‌گیری مطالعات بین رشته‌ای را در پی می‌آورد و به نوعی داد و ستد را میان رشته‌ها، دانش‌ها و هنرها برقرار می‌سازد.

خانم چریل گلاتفلتی (Glottfelty Cheryl) با مطرح کردن پرسش "نقد زیست‌بوم‌گرا چیست؟" این نوع نقد را این‌گونه تعریف می‌کند: "به بیان ساده‌تر، نقد زیست‌بوم‌گرا مطالعه‌ی پیوند میان ادبیات و محیط فیزیکی است." (Gotfelty and fromm 1996: XvIII).

نقد بوم‌گرا در واقع پاسخ به واکنش به زندگی فناورانه و صنعتی کردن جوامع و تسلط بر طبیعت و مظاهر آن است و در آن، ناقد بوم‌گرا توجه خود را به بوم‌زیست و عناصر طبیعت معطوف می‌دارد.

با توجه به اینکه تاکنون کمتر پژوهشگری به واکاوی جامع و مستقلى در زمینه‌ی ارتباط ادبیات و محیط زیست در اشعار شاعران معاصر و نقش آفرینی این دو عنصر طبیعی در آفرینش اشعار بوم محور آنان پرداخته است؛ به دلیل اهمیت این حوزه‌ی مطالعاتی جدید، مقاله‌ی حاضر به موضوع "زیست بوم و طبیعت در اشعار اخوان و شفیعی کدکنی از منظر نقد بوم‌گرا" پرداخته و شاعرانی برای تحقیق انتخاب شدند که لزوم توجه به طبیعت، بیان بحران‌های زیست محیطی و آگاهی‌بخشی برای حفاظت از آن، شعر آنان را رسانه‌ای زیست محیطی فرهنگی کرده است.

این پژوهش، مؤلفه‌ها و مصادیق ارتباط ادبیات و محیط زیست، معرفی عمیق‌تر این حوزه‌ی مطالعاتی جدید، توجه به نقش آفرینی طبیعت و محیط‌زیست در آفرینش اشعار بوم محور شاعران، یافتن نقش زیست‌بوم‌های مختلف زمانی و اقلیم‌های متفاوت ایران به عنوان خاستگاه شاعران در آفرینش اشعار بوم‌محور و همچنین انعکاس دغدغه‌های زیست محیطی در شعر آنان را مطرح نظر دارد.

نگارنده در این تحقیق در پاسخ به سؤال "مضمون اصلی اشعار محیط زیستی اخوان و شفیعی کدکنی در راستای رابطه‌ی ادبیات و محیط زیست چیست؟؛ فرضیه‌ی آن را که "به نظرمی‌رسد رابطه‌ی ادبیات با محیط زیست در گفتمان ادبی شاعران نقش مؤثری

داشته باشد"؛ واکاوی نموده و نشان داده است که درون مایه‌ی اصلی اشعار زیست محیطی و شباهت اندیشه از منظر نقد بوم‌گرا در اشعار آنان ناشی از برخی عوامل تأثیرگذار مانند شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی روزگار شاعر، تأثیر محیط زندگی و دوران کودکی و نوجوانی آنان، مقتضیات ادبی و هنری شاعران، همچنین دغدغه‌ی حفاظت از زیست بوم، بیان بحران‌های زیست محیطی و... است.

تعریف اصطلاح‌های مهم:

نقد بوم‌گرا: نقد بوم‌گرا را می‌توان مطالعه‌ی رابطه‌ی میان ادبیات و محیط زیست و چگونگی بازتاب ارتباط انسان با محیط فیزیکی پیرامونش در ادبیات دانست. در تعریفی ساده نقد بوم‌گرا مطالعه‌ی رابطه‌ی بین ادبیات و جهان طبیعت است.

محیط زیست: محیط زیست به عنوان یک موهبت الهی، محل زندگی و تامین کننده‌ی عالی‌ترین نیازهای انسان است. اصطلاح محیط زیست را می‌توان به یک منطقه‌ی محدود و یا تمامی سیاره، حتی به فضای بیرونی احاطه کننده‌ی آن اطلاق نمود که اصطلاحاً کره‌ی حیات یا بیوسفر نامیده می‌شود.

شعر معاصر: شعر معاصر (فارغ از معنای لغوی و مصطلح و رایج آن) شعری است که درک و فهم زمانه در آن تجلی یابد. یعنی در همه‌ی عناصر شعری از جمله کلام شاعرانه، محتوا، ساخت، زبان و موسیقی شعر و مانند آن، درک و فهم زمان تولد و بالندگی آن شعر، متجلی باشد. یعنی بردن شعر به نواندیشی و نوگرایی زبان زمان خود، که مستلزم احاطه و آگاهی به میراث کهن زبان و سیر تحولات و تطورات آن، درک عمیق از جامعه‌ی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، درک روح زمان و درد و دغدغه‌های عصر خویش، بیان ناگفته‌هایی که شاعر را به دل جامعه‌ی خود می‌برد و... .

زیست بوم زمانی: مقاطع مختلف عمر شاعر است که در آفرینش اشعار و خلق رویکردهای مختلف شعری او نقش آفرینی می‌کند.

پیشینه تحقیق:

با بررسی آثار مکتوب و درگاه‌های الکترونیکی، قطع نظر از پژوهش‌های انجام شده در قالب کتاب، پژوهش‌هایی در قالب مقالات تدوین شده است: محمد ناصر مودودی در مقاله‌ی "بوم نقد، جنبشی میان‌رشته‌ای بین دو حوزه‌ی محیط زیست و ادبیات" که جزو نخستین مقالاتی برای معرفی این رویکرد مطالعاتی در ایران تلقی می‌شود، با انتخاب عنوان "بوم نقد" به مثابه معادلی برای اصطلاح انگلیسی این نقد، شماری از آثار غیر ایرانی نگاشته شده در این حوزه را به پژوهشگران معرفی کرده است (مودودی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۲). "نقد بوم‌گرا، رویکردی نو در نقد ادبی" عنوان مقاله‌ی دیگری است که جزء پژوهش‌های روشمند

در این حوزه محسوب می‌شود. پارساپور که دو اثر در این زمینه گردآوری و تألیف کرده، ضمن ترجمه‌ی این اصطلاح به "نقد بوم‌گرا" در مقاله‌ی خود ضمن بیان ضرورت نگرش بوم‌گرایانه در علوم انسانی، به معرفی گرایش‌های بوم‌گرا در حوزه‌ی زبان‌شناسی، دین و اخلاق پرداخته، سپس نقد بوم‌گرا و موضوعات و روش‌های آن را بررسی کرده و در پایان اصطلاح زمینه که حلقه‌ی اتصال این نقد با رویکردهای گذشته‌ی نقدادبی است و نیز تفاوت حوزه‌ی معنایی و اهمیت این اصطلاح را در نقدبوم‌گرا توضیح داده است (پارساپور، ۱۳۹۱: الف: ۲۶-۸). نامبرده مقاله‌ی دیگری با عنوان "بررسی ارتباط ادبیات با طبیعت در شعر" تألیف کرده؛ در این مقاله، تعامل انسان با طبیعت را در حوزه‌ی شعر واکاوی نموده‌است (پارساپور، ۱۳۹۱: ب: ۹۹-). "ملاحظات زیست محیطی هدایت و صادق چوبک، نقد دو داستان" نیز مقاله‌ی دیگری از این پژوهشگر است. او در این مقاله، ملاحظات اخلاق زیست محیطی این دو اثر (سگ ولگرد و انتری که لوطی‌اش مرده بود) را به شکل تطبیقی بیان کرده است (پارساپور، ۱۳۹۵: ۷۳). پارساپور، مقاله‌ی «تأثیرپذیری سهراب سپهری از عرفان شرق در حوزه‌ی اخلاق محیط زیستی» را با همکاری فرناز فتوحی در بررسی موردی اشعار سهراب در حوزه‌ی اخلاق محیط زیستی با توجه به برجسته‌سازی مظاهر طبیعت و زیست بوم در شعر این شاعر، نگاشته است. در این پژوهش، سپهری به عنوان شاعر طبیعت معرفی شده که آموزه‌های اخلاق محیط زیستی در اشعار او بسامد فراوانی دارد. از نظر آنان، علاوه بر دین اسلام، آیین‌های شرقی از جمله بودائیسم و هندوئیسم بر آموزه‌های اخلاق زیست محیطی سپهری تأثیر داشته است. مقاله‌ی "جهان داستان و محیط زیست"، نیز در شمار نخستین مقالاتی است که در باب پیوند ادبیات و محیط زیست نگاشته شده است. در این مقاله، بهروز کیا، معنا و تعریفی گسترده از محیط زیست ارائه داده، نمونه‌هایی کاربردی از آثار صمد بهرنگی، هوشنگ مرادی کرمانی و شماری از نویسندگان غیر ایرانی را عرضه کرده است. (بهروز کیا: ۱۳۸۳)

آثار دیگری نیز در این حوزه وجود دارد که بیشتر بر جنبه‌های بوم‌گرایانه‌ی ادبیات و رابطه‌ی شخصیت‌های داستانی و مکان داستان با محیط زیست تأکید دارد. از این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله‌ی نوذر نیازی با عنوان «خوانشی بوم‌گرایانه از داستان کوتاه درخت گلایی» نوشته‌ی گلی ترقی اشاره کرد. او در این پژوهش، با برجسته‌سازی نقش درخت گلایی به عنوان نماد طبیعت و تأثیر آن بر روان و اندیشه شخصیت اصلی داستان، سعی در نگرشی بوم‌گرایانه، برای بازتعریف رابطه‌ی انسان با طبیعت دارد. مرتضی حبیبی نسامی (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «بررسی بوم‌گرایانه با شبیرو، اثر محمود دولت آبادی»، رابطه‌ی شخصیت‌های داستان را با طبیعت مورد بررسی قرار داده است. از نظر او، تجربه‌ی زندگی نویسنده و

محیط زیست پیرامون وی، در فضای داستان بی‌تأثیر نیست؛ به همین دلیل، سرنوشت شخصیت‌های داستان با طبیعت و زیست‌بوم، گره می‌خورد. درواقع، رابطه‌ی دوسویه‌ی انسان و طبیعت و تأثیر طبیعت بر انسان، در این داستان مشهودتر است.

بهزاد پورقرب (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "نقد فمینیستی بوم‌گرای رمان جای خالی سلوچ"، تلاش کرده تا با نگاه فمینیستی بوم‌گرا ریشه‌های پیوند زن و طبیعت در تصاویر و توصیف‌های این داستان را بررسی کند. پیوند زن و طبیعت که یادآور بسیاری از اسطوره‌هاست؛ در این داستان به وضوح دیده می‌شود. شخصیت اصلی و محوری این داستان، زنی به نام مرگان است که پیوندش با زمین و طبیعت، از یکسو یادآور بسیاری از شخصیت‌های اساطیری است و از دیگر سو، یگانگی او با طبیعت در جامعه‌ی روستایی، یادآور این همانی زن و طبیعت در خاطره‌ی جمعی ما از زندگی بدوی و آغازین بشر است. ذوالفقارخانی نیز در مقاله "بررسی زیست‌بوم در شعر فروغ فرخزاد براساس نظریه بوم‌فمینیسم" کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که در افکار شاعر مفاهیم طبیعت‌گرایانه تا چه اندازه بازتاب داشته و دغدغه‌ی فروغ نسبت به محیط زیست خود چگونه بوده است (ذوالفقارخانی، ۱۳۹۵).

مقاله‌ی پیش رو، مصادیق ارتباط ادبیات و محیط زیست، نقش‌آفرینی طبیعت و زیست بوم در آفرینش اشعار بوم‌محور اخوان و شفيعی کدکنی و بهره‌گیری آنان از زیست‌بوم و عناصر طبیعت برای بیان مقاصدشان را مطرح نظر دارد. معرفی دقیق ترنقد بوم‌گرا و توجه این حوزه‌ی مطالعاتی جدید به مقوله‌ی طبیعت و محیط زیست و هشدار برای حفاظت از آن در عصر صنعتی‌سازی کشور از دیگر اهداف این پژوهش است. همین ویژگی‌ها پژوهش حاضر را از آنچه در گذشته در این موضوع ارائه شده‌است، متمایز می‌سازد و برآن است تا با گسترش پژوهش‌های جامع‌تر، زمینه‌ساز غنای این حوزه‌ی مطالعاتی جدید گردد.

روش‌شناسی پژوهش (متدولوژی (methodology))

پژوهش حاضر با تکیه بر روش مطالعاتی همبستگی، بر مبنای هدف: توصیفی-تحلیلی، بر مبنای پیشینه پژوهش: توسعه‌ای-ترویجی، بر مبنای روش گردآوری داده‌ها: اسنادی و بر مبنای ماهیت: کیفی است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت تحلیل محتوا انجام گرفته است.

مبانی نظری تحقیق:

اصطلاح نقد زیست بوم‌گرا (Ecocriticism) را اولین بار ویلیام روئکرت (RUEckert William) در اواخر قرن بیستم یعنی در سال ۱۹۷۸ در مقاله‌ای با عنوان "ادبیات و بوم‌شناسی تجربه‌ای در نقد زیست بوم گرا" (An Literature and Ecology) به‌کار برد.

(Experiment in Ecocriticism) به کاربرد. او در مقاله‌ی خود ضمن اشاره به کاربرد مفاهیم بوم‌شناختی برای خوانش ادبیات می‌گوید:

"مشخصاً من قصد دارم تا کاربرد بوم‌شناسی و مفاهیم بوم‌شناسانه را برای مطالعات ادبیات بیازمایم؛ زیرا بوم‌شناسی (در مقام یک دانش، به مثابه یک رشته و در مقام بنیاد و اساسی برای نگرش انسان) دارای بیشترین ارتباط با حال حاضر و آینده‌ی جهان است" (Rueckert: 1996: 107). کاربرد واژه‌ی تجربه در عنوان مقاله‌ی او، نشان از آگاهی وی به نوپا بودن این رویکرد مطالعات ادبی و میان‌رشته‌ای دارد و این‌که این رویکرد نوین برای نظام‌مند شدن، نیازمند تلاش‌های جدیدتر و نظریه‌پردازی‌های دقیق‌تر است.

پس از روئکرت، پژوهشگران دیگری ضمن تلاش برای تثویز کردن این رویکرد، چارچوب‌هایی برای آن تعریف کردند. خانم چریل گلاتفلتی (G lotfelty C heryll) با مطرح کردن پرسش "نقد زیست‌بوم‌گرا چیست؟" این نوع نقد را این‌گونه تعریف می‌کند: "به بیان ساده‌تر، نقد زیست‌بوم‌گرا مطالعه‌ی پیوند میان ادبیات و محیط فیزیکی است." (Gotfelty and fromm 1996: XvIII).

ریچارد کریج (Richard Kerridge)، هدف از این نوع نقد را در اثر مشترک خود با نیل سملز (Neil Sammels) به نام "نگارش محیط زیست" این‌گونه بیان می‌کند: "یک منتقد زیست‌بوم‌گرا، اندیشه‌های زیست‌محیطی و بازآفرینی‌های آن‌را در تمام مظاهرش دنبال می‌کند تا بتواند به‌طور واضح در باره‌ی آن بحث و گفت‌وگو کند؛ چرا که اغلب به‌نظر می‌رسد، این مسئله در فضای فرهنگی پنهان‌شده است. از همه مهم‌تر، نقد زیست‌بوم‌گرا به دنبال بررسی متون و اندیشه‌ها از لحاظ انسجام و سودمندی آن‌ها در مقام پاسخی به بحران‌های محیط زیستی است" (Kerridge and sammells 1998: 5).

با توجه به نظریه‌های فوق، امروزه به سبب استفاده‌های نادرست از محیط زیست و اکتشافات جدید، که روز به روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، شاهد معضلات محیط زیستی بیشتری هستیم. بحران رویارویی انسان با طبیعت و کاربرد علوم و فناوری‌های جدید در عصر تکنولوژی، به امری نگران‌کننده تبدیل شده است. بنا براین، می‌توان کارکرد نقد زیست‌بوم‌گرا را، چگونگی نقش‌آفرینی طبیعت و محیط زیست در متون منظوم و منثور فارسی و مشارکت در روند مقابله با بحران‌ها و آسیب‌های محیط زیستی دانست.

۲- بحث و بررسی

اخوان ثالث

مهدی اخوان ثالث یکی از شاعران سمبلیست، نمادگرا و نیمایی است که ابعاد مختلف

شعر او با زیست‌بوم و طبیعت، پیوندی تنگاتنگ یافته است. رویکرد به طبیعت و استفاده‌ی نمادینی که شاعر از آن می‌کند؛ شاخصه‌ی مهم اشعار او به‌شمار می‌رود. اخوان از آن دسته شاعرانی است که روش نمادگرایی برگرفته از زیست بوم و طبیعت را، در شعر خود به گونه‌ای به خدمت گرفته که توانسته در این زمینه به نوعی تشخیص فکری برسد و سرمشقی برای دیگر شاعران پس از خویش باشد. اشعار بوم محور اخوان، نشان می‌دهد که وی الفت و پیوندی نزدیک با طبیعت دارد؛ به همین واسطه توفیق یافته پدیده‌ها و مظاهر طبیعی را به مینا و بستری برای بیان مقاصد سیاسی و اجتماعی خویش بدل کند و در شعر ظرفیتی ایجاد نماید تا هریک از مظاهر و عناصر طبیعت بتواند جنبه‌ای از اندیشه، عواطف و باورهای سیاسی و اجتماعی او را ترسیم کند. عنوان‌های اخوان ثالث از زیست بوم و مظاهر طبیعت به‌طور محسوس در سه کتاب «زمستان»، «آخرشاهنامه» و «از این اوستا»، بسامد بیشتری دارند و دلیل آن، استفاده‌ی نمادین از آن‌ها در این سه اثر است.

۲-۱- تأثیر و تبلور زیست‌بوم‌های مختلف زمانی اخوان ثالث در اشعار او

۲-۱-۱- زادگاه، دوران کودکی و جوانی:

اخوان ثالث، کلاسیک‌ترین شاعر متجدد معاصر ایران، در سال ۱۳۰۷ در توس مشهد به دنیا آمد و در همان‌جا به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۶ دوره دبیرستان را در رشته‌ی آهنگری به پایان رساند؛ پس از آن، در ورامین به شغل معلمی پرداخت. در سال‌های منتهی به ۱۳۳۰، در محافل سنتی خراسان رفت و آمد داشت که حاصل آن، انتشار کتاب «ارغنون» است که شاعر جوان، آن را در سن ۲۳ سالگی با حال و هوای کاملاً سنتی منتشر کرد. افکار اخوان در این مجموعه، بر محور عشق فردی و دردهای اجتماعی بنا می‌گردد و نمایشگر روح رنج کشیده‌ای است که فضایی آزاد برای سخن گفتن یافته‌است

اخوان در سه مجموعه‌ی: «ارغنون»، «زندگی می‌گوید اما...» و «ترا ای کهن بوم و بر دوست‌دارم»، بیشتر به خود و دنیای خود می‌پردازد. موضوعاتی مانند عشق، شادمانی، سرور، درد و حسرت، در دفتر اول او بسامد بیشتری دارد. در دو مجموعه‌ی دیگر، او، باز به خود و دنیای خویش می‌پردازد؛ البته دیگر مانند ارغنون، موضوعات شعرش عنوان‌های مفرحی نیستند؛ بلکه وصف پیری، شکایت از روزگار، حسرت و اندوه، موضوعات شاعر را تشکیل می‌دهند.

۲-۱-۲- ادامه‌ی دوران جوانی و میانسالی:

اخوان در دوران جوانی از هواداران جدی حزب توده در ایران بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شکست جبهه‌ی ملی، ضربه‌ی سنگینی بر روح این شاعر حساس ملی‌گرا وارد شد. او در این دوره با آنکه تخلص «م.امید» داشت، ولی ناامیدترین و تاریک‌ترین شعرها

را سرود. تا آنجا که او را شاعر شکست نامیدند.

اخوان، شاعری سیاسی است و رویدادهای سیاسی که در زندگی‌اش اتفاق افتاده، به ویژه کودتای ۲۸ مرداد، بر شعر او تأثیر نهاده؛ سبب شد که زبان وی نمادین شود. او در سال ۱۳۶۹ وفات یافت.

۲-۲- مؤلفه‌های مهم تأثیر زیست‌بوم‌های مختلف زمانی در اشعار اخوان عبارتند از:

۲-۲-۱- عشق فردی نظیر شادمانی و سرور، دردهای اجتماعی مانند درد وحسرت، محور افکار اخوان ثالث در مجموعه‌ی «ارغنون».

۲-۲-۲- وصف پیری، شکایت از روزگار، حسرت و اندوه، محور اندیشه‌ی اخوان در دو مجموعه «زندگی می‌گوید اما...» و «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم».

۲-۲-۳- سرودن اشعار تاریک و نومیدانه به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

۲-۲-۴- استفاده از مظاهر طبیعت برای بیان مقاصد سیاسی-اجتماعی و فلسفی در سه کتاب "زمستان"، "آخرشاهنامه" و "از این اوستا" با بسامد بالا. ۲-۲-۵- روی آوردن به نماد و نمادپردازی به دلیل جو خفقان حاکم بر روزگار شاعر.

۲-۲-۶- سرودن «تشبیهات سیاه» و خلق تصاویر تیره و تلخ به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

۲-۲-۷- بدبینی و نگرش تیره به محیط پیرامون.

۲-۳- طبیعت و زیست‌بوم و ویژگی آن‌ها در شعر اخوان ثالث:

انسان خواه شهرنشین و خواه روستایی، با عناصر زیست محیطی و مظاهر طبیعت در ارتباط است. طبیعت به سبب قدرت غالب خود همچون موجود زنده‌ای ظاهر می‌شود که گاه با چهره‌ای مهربان محل التجاء، ارتزاق و بستری برای بیان مقاصد انسان می‌گردد و گاه از روی خشم، به رقابت با وی روی می‌آورد.

در شعر اخوان ثالث زیست‌بوم و مظاهر طبیعت، مرهمی برای آرمان‌گرایی و انجام رسالت‌های اجتماعی و سیاسی شاعر می‌شود. او به جهت اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی زمانه، همواره با بدبینی و نگرشی تیره به اطراف می‌نگرد. اخوان در عین استفاده از عناصر و مظاهر طبیعت در شعر خویش، جهان را زشت می‌شمرد و سراسر زمین را پر از وحشت و اندوه می‌بیند. او دنیای صنعتی امروز را مملو از پیک‌های مرگ‌افزا، مسموم و

زهرآلود و مرزها را بن‌بست احساس می‌کند.

۲-۴- ویژگی‌های اشعار زیست بومی و طبیعت محور اخوان ثالث عبارتند از:

۲-۴-۱- نگرش سمبلیک به طبیعت و استفاده از زیست بوم برای بیان مقاصد

سیاسی و فلسفی.

۲-۴-۲- ایجاد ظرفیت در اشعار با واژگان برگرفته از طبیعت برای ترسیم

اندیشه، عواطف و باورهای سیاسی، اجتماعی و فلسفی.

۲-۴-۳- نگاه بدبینانه به اطراف و جهان، متأثر از اوضاع اجتماعی روزگار

شاعر.

۲-۴-۴- گرایش به اساطیر و ویژگی‌های زندگی ایرانی.

۲-۴-۵- بسامد بالای «تشبیهات سیاه» و تصاویر تیره و تلخ محصول وضعیت

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

۲-۴-۶- استفاده از قالب‌های سنتی، نیمایی و نو با واژه‌های برگرفته از طبیعت

و زیست‌بوم برای بیان احساسات، صورت‌های ذهنی، دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های

خویش.

۲-۵- تأثیرات منفی طبیعت یا بحران‌های محیط زیستی در اشعار اخوان

ثالث:

طبیعت گاهی در بطن خود به هیچ‌یک از عوامل خارجی اجازه‌ی دخالت نمی‌دهد و

انسان و سرنوشت او را به موضوع تسلیم در برابر خود تبدیل می‌کند و موجب بحران در

زندگی گیاهی، جانوری و انسانی می‌شود. بحران‌های طبیعت و زیست‌بوم در شعر اخوان به

دو دسته تقسیم می‌شود:

۲-۵-۱- بحران محیط زیست طبیعی

۲-۵-۱-۱- بحران بی‌آبی و خشکسالی مهم‌ترین آسیب‌های طبیعی در شعر

اخوان: اخوان، تسلیم در برابر خشکسالی را در شعر «مشعل خاموش» از مجموعه‌ی

زمستان، چنین روایت می‌کند:

«جوی غریب مانده‌ی بی‌آب و تشنه‌کام/ افتاده سوت و کور/ در انتظار سایه‌ی ابری و

قطره‌ای/ چشمش به راه مانده، امیدش تبه شده است» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۷۹).

شاعر از جوی‌های بی‌آبی سخن می‌گوید که با گذر زمان، خشک‌شده و در گوشه‌ای سوت

و کور، بدون هیچ توجهی، در انتظار قطره‌ای باران چشم به راه مانده‌اند. خشکسالی‌های

پی‌درپی و کمبود بارش باران در ایران، از دلایل عمده‌ی این بحران به‌شمار می‌رود

۲-۵-۲- بحران‌های انسان ساخت عصر تکنولوژی:

-آلودگی آب -آلودگی خاک -نابودی زیستگاه‌های جانوری - نابودی گونه‌های جانوری

- نابودی گونه‌های گیاهی - آلودگی شهر و شهرگریزی -زندگی ماشینی و بحران‌های محیط زیست

- تحلیل برخی از بحران‌های انسان ساخت عصر تکنولوژی:

۲-۵-۲-۱- آلودگی آب: اخوان در مجموعه‌ی «آخر شاهنامه» به آلودگی محیط زیست توسط انسان‌ها اشاره می‌کند و ریختن مشتی ریگ درون برکه بدون قصد و از روی ناآگاهی را به تصویر می‌کشد:

«می‌فشاندم گاه، بی‌قصدی/ در صفای برکه مشتی ریگ خاک آلود/ و زلال ساده‌ی آیین‌وارش را/ با کدورت یادمی‌کردم» (اخوان ثالث، ۱۳۷۵ ب: ۱۲۱-۱۲۲).

۲-۵-۲-۲- آلودگی خاک: اخوان در شعر «فراموش»، از مجموعه آخر شاهنامه، زمین را «لاشه‌ی رنجور»، می‌خواند:

«با شما هستم من، آی ... شما/ اخترانی که در این خلوت صحرای بزرگ/ شب که آید، چون هزاران گله گرگ/ چشم بر لاشه‌ی رنجور زمین دوخته‌اید ...» (همان: ۷۳).

۲-۵-۲-۳- نابودی زیستگاه‌های جانوری: اخوان در شعر «سگ‌ها و گرگ‌ها» از مجموعه‌ی زمستان، از زبان حیوانات سخن می‌گوید که در سرما و گرما پناهگاهی برای زیستن ندارند؛ چرا که با گذشت زمان، مناطق بکر طبیعی به‌دست انسان‌های منفعت‌طلب و خودخواه تغییر کاربری پیدا کرده و به مناطق شهری و تفرجگاه شهر نشینان مبدل شده؛ این رفتار خودخواهانه زندگی را برای سایر جانداران سخت و طاقت‌فرسا نموده‌است: «زمین و آسمان با ما به کین است/ شب و کولاک رعب انگیز و وحشی/نمانده گوشه‌ی گرم کنامی/ شکاف کوهساری، سرپناهی/ نه حتی جنگلی کوچک که بتوان/ در آن آسود بی‌تشویش، گاهی» (اخوان، ۱۳۷۰: ۶۸).

۲-۵-۲-۴- نابودی گونه‌های جانوری: اخوان در شعر «منظومه‌ی شکار» از دفتر «زمستان»، داستان صیادی را به تصویر می‌کشد که با دشنه و تفنگی برای شکار راهی جنگل می‌شود. او پس از چندی، شکار خود را که گوزنی خردسال است، در زیر درخت نارونی می‌یابد: «وقتی که روز آمده؛ اما نرفته شب/ صیاد پیر، گنج کهن‌سال آزمون/ با پشتواره‌ی و تفنگی و دشنه‌ای.../ صیاد پیر، شانه گرانبار از تفنگ/ اینک به آستانه‌ی جنگل رسیده‌است/ صیاد: همسایه‌ی قدیمی‌ام، ای آبشار سرد/ امروز شور شکاری‌ست در سرم/ اکنون شکار من، گوزنی‌ست خردسال/ در زیر چتر نارونی آرمیده‌است.../ چندان که آب خورد و/ سر از جوی

برگرفت/ در گوش او صفیر کشید پیک من که: مرگ/ آن دیگران گریزان، لرزان، دوان چو باد/ اما دریغ! او به زمین خفته مثل خاک/.../ صیاد:/ هان، آمد آن حریف که می‌خواستیم، چه خوب/.../ خروشید تیر و جست/ از شانه‌اش فرو شد در پهلویش نشست...» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ب: ۱۸۳-۱۸۶).

۲-۵-۲-۵- نابودی گونه‌های گیاهی: اخوان ثالث در شعر «گل سرخ و گلچین»، به بحران نابودی گونه‌های گیاهی به‌وسیله انسان عصر تکنولوژی اشاره می‌کند: «کودکی تازه گل سرخی دید/ که به دامان چمن می‌خندید/ بود آن گل به فریبایی صبح/ کودک آسیمه و خوشحال دوید/ گفت کودک که تو را می‌شکنم/ آخراً کودک وحشی نشست/ گل زیبای چمن را بشکست» (اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۲۰۱).

۲-۵-۲-۶- آلودگی شهر: اخوان در شعر «خطاب» از مجموعه‌ی «در حیات کوچک پاییز در زندان»، مردم شهر را با زبانی روستایی، مخاطب قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که شهرشان را از انواع آلودگی‌ها پاک‌کنند؛ چرا که هوای آلوده‌ی شهر برای شاعر روستایی و همه‌ی ساکنان آن، غیرقابل تحمل است: «تا من نیز، به هوای شما عادت کنم، یک چند/ هوای شهر را با صافی پاکیزه و پاکی بپالایید» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: الف: ۳۱).

۲-۶- شهرگریزی: شاعر در بخش دیگری از همین دفتر، از محیط شهر دلش می‌گیرد و به سمت سهراهی خارج از آن حرکت می‌کند؛ درکنار جاده، بنایی کوچک، ساده، ساکت و روستایی با جوی خُرد و چند درخت، او را به خود جذب می‌کند؛ چرا که در دل طبیعت، صفا و سادگی‌ای وجود دارد که در شهر آن را نمی‌توان یافت: «دلم در سینه تنگی کرد از این شهر گشاده روی/ سفر کردم به صحرایی، پراز دور و پر از نزدیک/ میان دشت/ کنار جاده‌ای خاموش/ که شهری را به شهری می‌دهد پیوند/ بنایی کوچک است و ساده و ساکت/ و جویی خُرد و کم آب و درختی چند/ پناه آورده‌ام اینجا به این میخانه‌ی خلوت/ بنایی کوچک است و روستایی‌وار/ و هر چیزی در آن ساده/ ولی خالی ز حالی نیست» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: الف: ۹۹-۱۰۰).

۲-۷- زندگی ماشینی و بحران‌های محیط زیست: تکنولوژی و زندگی فناورانه‌ی عصر ماشین سبب شده است که اخوان، زمین و سراسر جهان را آلوده و زشت بخواند. او برای دیدگاه خود دلایلی ذکر می‌کند. هوای پاک را به جهت بهره‌گیری انسان عصر ماشین از صنایع جدید، افزایش جنگ‌ها و استفاده از آهن و باروت، پردود توصیف می‌کند. جهانی که اخوان وصف می‌کند، به جای وزیدن نسیمی فرح‌بخش و روح‌افزا، بوی خون و باروت می‌دهد و باران‌هایش به سبب آلودگی‌ها، پر از سموم مهلک و کشنده است: «... ولی مسکین زمین آلوده و زشت است/ و از دود و شرار و وحشت و اندوه مالا مال/

حوادث گندناک و پر غبار و آهن و باروت/ در آفاتش به پروازند از هر سو پیک‌های مرگ/
در این جوّ دریغ و درد/ نسیمش بوی خاک و خون گرم از جنگ‌های سرد/ و باران‌های دایم
از سموم مهلک آفات» (همان الف: ۱۰۴-۱۰۵).

۲-۸- آرمانشهر اخوان ثالث:

مؤلفه‌های آرمانشهری اخوان ثالث مانند هر شاعر بوم‌گرای معاصر دیگر، عبارتند از:
۲-۸-۱- **آزادگی و کرامت، مبارزه با ظلم و تحقیر و توهین.** "من نتوانم چو شما
عنکبوت شد / کولی شوریده سرم من، پرده‌ام / زین گنه ای روبه‌کان دغل! / مرا مرگ دهد
توبه که من درنده‌ام" (اخوان، زمستان، ۱۳۸۵: ۶۲). ۲-تنهایی: در شهر برساخته‌ی ذهن
و زبان او به تنهایی برمی‌خوریم. تنهایی آرمانشهری شاعر یعنی در آن سوی پایان، در دیار
نابودگان، دیار مرگ که تنهایی بزرگ است. این همان تنهایی بزرگی است که سیطره‌اش
اینجا و آنجا نمی‌شناسد: "لب‌گور، خدا و شیطان ایستاده بودند / و هریک هرآن‌چه به ما
داده بودند / بازپس گرفتند. (اخوان، آخرشاهنامه، ۱۳۸۵: ۹۰).

۲-۸-۲- **طبیعت بکر و دست نخورده:** وی در شعر «چاووش» از مجموعه‌ی
«زمستان»، مخاطب را به پیمودن راهی به سوی سرزمین‌های دیگر فرامی‌خواند؛ زیرا
تنها در این مناطق است که می‌توان زیبایی‌های واقعی را از نزدیک مشاهده‌کرد و از
آن‌ها لذت‌برد: «بسان رهنوردانی که در افسانه‌ها گویند/ گرفته زاد ره بر دوش/ فشرده
چوبدست خیزران در مشت/ ما هم، راه خود را می‌کنیم آغاز.../ بیا تا راه بسپاریم/ به سوی
سبزه‌زارانی که نه کس کشته، نه دروده/ به سوی سرزمین‌هایی که در آن، هرچه بینی بکر و
دوشیزه/ و نقش رنگ و رویش هم بدین‌سان از ازل بوده/ که چونین پاک و پاکیزه است/ به
سوی آفتاب شاد صحرایی/.../ بیا ای خسته خاطر دوست، ای مانند من دل‌کنده و غمگین/
من این‌جا بس دلم تنگ است» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۱۵۰).

۲-۹- رویکردهای شاعرانه به زیست بوم و طبیعت در اشعار اخوان ثالث:

۲-۹-۱- **رویکرد سیاسی و اجتماعی:** اخوان ثالث شاعری سیاسی است و رویدادهای
سیاسی و اجتماعی در زندگی‌اش به ویژه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش شاخصه‌ی اصلی اشعار
بوم محور او است. این رویکرد شاعر به طبیعت در سه کتاب "زمستان"، "آخر شاهنامه"
و "از این اوستا"، با بسامد بالایی تجلی یافته است. بیان دغدغه‌ها و بحران محیط‌زیستی،
رویکرد دیگر اخوان در اشعار او است.

۲-۹-۲- **رویکرد محیط زیستی و بیان بحران‌های آن:** اخوان ثالث مانند هر شاعر
بوم‌گرای معاصر دیگر، از این همه تزویر و خودخواهی انسان عصر ماشین و مناظر مصنوعی
و دست ساخته‌ی او به ستوه آمده و به سوی طبیعت بکر و دست نخورده، روان می‌شود.

هوای پاک را به جهت بهره‌گیری انسان عصر ماشین از صنایع جدید، افزایش جنگ‌ها و استفاده از آهن و باروت، پردود توصیف می‌کند. جهانی که اخوان وصف می‌کند، به جای وزیدن نسیمی فرح‌بخش و روح‌افزا، بوی خون و باروت می‌دهد و باران‌هایش به سبب آلودگی‌ها، پر از سموم مهلک و کشنده است.

شفیعی کدکنی

شفیعی کدکنی (م.سرشک) از شاعران نو قدمایی است که به پیروی از نیما، سکونت در کدکن، تعلق خاطر به نیشابور و خراسان و با داشتن بن‌مایه‌های فکری ویژه، به طور گسترده از طبیعت و مظاهر آن وام‌گیری کرده، پیوند و تشابهات زندگی انسانی و فعل و انفعالات طبیعت را مستقیم و یا در چارچوبی نمادین نشان داده است.

۲-۱۰- تأثیر و تبلور زیست‌بوم‌های مختلف زمانی در اشعار شفیعی کدکنی:

۲-۱۰-۱- زادگاه، دوران کودکی و نوجوانی:

محمدرضا شفیعی کدکنی (م.سرشک)، شاعر، پژوهشگر و منتقد معاصر فارسی که از فرهنگ چند صدایی برخوردار است، در سال ۱۳۱۸ در روستای کدکن، یکی از ولایت‌های دوازده‌گانه نیشابور، در خانواده‌ای روحانی متولد شد. از کودکی به تشویق پدر به حفظ و فراگیری شعر و آثار ادبی و دینی پرداخت. تربیت و آموزش نخستین او، تربیت و آموزشی دینی و شاعرانه بود. او به زادگاهش عشق می‌ورزید و آنجا و دوران کودکی خود را در مجموعه‌ی «شب‌خوانی» چنین توصیف می‌کند:

«ای روستای خفته بر این پهن دشت سبز/ ای از گزند شهر پلیدان پناه من/ ای جلوه‌ی طراوت و شادابی و شکوه! هان ای بهشتِ خاطره، ای زادگاه من» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۹۷-۹۸).

پدر شفیعی شخصیتی شگفت داشت. او برای تهذیب ساختاری تنها فرزندش از هر شیوه‌ای استفاده می‌کرد. م.سرشک پس از فراگیری علوم دینی نزد پدر، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان شد و پانزده سال در حوزه سرگرم فراگیری بود و آموزش فکری، فلسفی و زیبایی شناختی را در همانجا آموخت.

۲-۱۰-۲- دوره جوانی:

شفیعی کدکنی دوره‌ی جوانی خود را با اولین دفتر شعرخویش به نام «زمزمه‌ها» که در سال ۱۳۴۴ به چاپ رساند؛ آغاز می‌کند. تمایل به فرهنگ و تمدن خراسان و نیشابور در اغلب آثار و افکار وی از جمله این دفتر، نمایان است. پس از آشنایی با جریان شعر نیمایی، دومین دفتر شعر خود را (شب‌خوانی) در سال ۱۳۴۴ در قالب چهارپاره و شعر نیمایی

سرود. اکثر اشعار این مجموعه در قالب‌های نیمایی و نیمه سنتی سروده شده است. دوره‌ی جوانی شاعر، با انتشار مجموعه‌ی «از زبان برگ» ادامه می‌یابد. «از زبان برگ» (۱۳۴۷) زمانی سروده شد که شاعر جوان از زادگاهش برای ادامه تحصیل به تهران رفت. گویی زندگی مملو از آه‌ن و فولاد، او را به یاد سال‌های کودکی و نو جوانی انداخته تا همه‌ی مظاهر طبیعت را پیام‌آور صلح و دوستی ببیند. از این رو، زبانش با طبیعت نزدیک می‌گردد. طبیعت در این مجموعه بزرگ‌ترین بن‌مایه‌ی الهام شاعر به شمار می‌رود. نمونه‌ای از دفتر «از زبان برگ»: سفر ادامه دارد و پیام عاشقانه‌ی کویرها به ابرها/ سلام جاودانه‌ی نسیم‌ها به تپه‌ها/ تواضع نرم و لطیف دره‌ها/ غرور پاک و برف پوش قلّه‌ها/ صفای گشت گلّه‌ها به دشت‌ها/ چرای سبز میش‌ها و قوچ‌ها و بره‌ها» (شفیعی کدکنی، ۱۳۴۷: ۳۶).

مجموعه‌ی «در کوچه باغ‌های نیشابور» (۱۳۵۰)، دفتر اشعار او آخر جوانی شاعر است. این دفتر، آغازی نوین در دوره‌ی شعری شفیی کدکنی به حساب می‌آید؛ در این دفتر، زبان شاعر شفاف و بی‌ابهام است و نگاه به بیرون دارد. او با این دفتر، به عنوان یکی از چند صدای موفق شعر نو شناخته می‌شود. در شعر «به کجا چنین شتابان» از مجموعه‌ی «در کوچه باغ‌های نیشابور»، می‌توان اعتراض و پیام (رسالت اجتماعی) شاعر را کاملاً دریافت: «به کجا چنین شتابان گون از نسیم پرسید/ دل من گرفته زین جا هوس سفر نداری ز غبار این بیابان؟/ همه آرزویم اما چه کنم که بسته پایم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۲۲).

م. سرشک در مجموعه‌ی «مثل درخت در شب بارانی» (۱۳۶۵)، اشعار یک دهه‌ی دوره جوانی خود را (۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶) به طور برگزیده جمع‌آوری کرده است. این دفتر تنوع شکلی و محتوایی دارد و تأثیرات زیست بوم زمانی خاص، یعنی زندگی در خارج از کشور شفیی را نشان می‌دهد. شاعر در آن، برخلاف مجموعه‌ی «در کوچه باغ‌های نیشابور»، نگاهی درونی دارد.

«می‌شناسمت/ چشم‌های تو/ میزبان آفتاب صبح سبز باغ ماست» (شفیی کدکنی، ۱۳۶۵: ۱۳۲).

۲-۱۰-۳ دوره میان‌سالی:

مجموعه‌ی «از بودن تا سرودن» که در آغاز دوره‌ی میان‌سالی شاعر سروده شده، جهت‌گیری دیگر او را نشان می‌دهد. در این دفتر، اشعار شفیی، به سوی شعر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و انسانی ارتقاء یافته است.

شفیی کدکنی در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۷ در آمریکا اقامت داشته، تمام اشعار «بوی جوی مولیان» به غیر از شعر «هویت جاری» را همانجا سروده است. «نیلوفری شدم/ برآب‌های غربت بالیدم، نالیدم/ گفتم با انقراض سلسله‌ها/ این باغ،

مومیایی می‌شود»

(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۲۷). در این شعر، غم غربت شاعر به خوبی پیدا است. می‌توان گفت بن‌مایه‌های اشعار دوره جوانی شاعر، نوعی ادبیات نوستالژیک را تداعی می‌کند؛ اما در اشعار دهه‌ی ۶۰ به بعد، شاهد ذهن و زبان پخته‌تری هستیم؛ زبانی که پیچیده‌تر بوده و در آن، اندیشه‌های فلسفی با موسیقی بیرونی و درونی عمیق، کاملاً هویدا است.

۲-۱۱- مؤلفه‌های مهم زیست‌بوم‌های مختلف زمانی و طبیعت در اشعار شفیعی کدکنی:

- ۲-۱۱-۱- داشتن صبغه‌ی دینی و ادبی در اشعار.
- ۲-۱۱-۲- دلبستگی به سنت‌های ادبی و فرهنگی ایران و اسلام.
- ۲-۱۱-۳- تمایل به فرهنگ و تمدن خراسان و نیشابور.
- ۲-۱۱-۴- تأثیرپذیری از ساخت نحو کهن به ویژه سبک خراسانی و سبک نیمایی در اشعار.
- ۲-۱۱-۵- نمایاندن اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با استفاده از مظاهر طبیعت.
- ۲-۱۱-۶- طبیعت بزرگ‌ترین بن‌مایه‌ی الهام شاعر به ویژه در مجموعه‌ی «از زبان برگ».
- ۲-۱۱-۷- آشکار بودن فرهنگ چند صدایی در اشعار شفیعی کدکنی.
- ۲-۱۱-۸- جنبه سمبلیک یافتن طبیعت در اغلب اشعار شاعر.
- ۲-۱۱-۹- نداشتن تمایلات حزبی در شعر، به رغم بیان اعتراض و پیام (رسالت اجتماعی) شاعر در شعر «به کجا چنین شتابان» از مجموعه‌ی «در کوچه باغ‌های نیشابور» و برخی اشعار دیگر شاعر.
- ۲-۱۱-۱۰- برون‌گرایی در مجموعه‌های آغازین و درون‌گرایی در مجموعه اشعار متأخر شفیعی.
- ۲-۱۱-۱۱- تعهد، حرکت و ضدیت با سکون.
- ۲-۱۱-۱۲- نگاه اخلاقی به طبیعت
- ۲-۱۱-۱۳- آنیمیسم‌گرایی (شخصیت دادن) و احترام به مظاهر طبیعت.
- ۲-۱۱-۱۴- ارتقاء اشعار دوره‌ی میان‌سالی شاعر به سوی شعر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.
- ۲-۱۲- طبیعت‌گرایی در اشعار شفیعی کدکنی (م. سرشک):

آنچه طبیعت‌گرایی شفيعی کدکنی را از بقیه شاعران جدا می‌سازد، علاوه بر این که وی به طبیعت جنبه‌ی سمبلیک می‌دهد؛ این است که طبیعت برای او الهام‌بخش روحیه‌ی امیدواری، حیات و زندگی است. در شعر شفيعی، هیچگاه مخاطب نومید نمی‌شود یا سر از دنیای تیره و تاریک در نمی‌آورد.

طبیعت در شعر شفيعی گاه سمبلیک می‌شود مثلاً نماد یک مضمون سیاسی-اجتماعی یا انسانی و گاه زیبایی آن، احساسات غنایی شاعر را تحریک می‌کند و در حکم معشوق وی درمی‌آید. از ویژگی‌های دیگر شعر «م.سرشک»، رنگ محلی یا صبغه‌ی اقلیمی است که با طبیعت‌گرایی شاعر گره خورده است. صبغه‌ی اقلیمی در شعر شفيعی کدکنی که نماینده‌ی نگاه شخصی و صمیمی شاعر به زیست بوم او است، علاوه بر انعکاس در تصویرهایی که از طبیعت خراسان ارائه می‌کند، در کاربرد واژه‌های محلی و بومی نیز تجلی یافته است مانند: "رازینه": "وقتی آن نازنین / از رازینه می‌آید / در میان شعله‌ای بی‌دود / نیست دیگر جای اندیشه"

(شفيعی کدکنی، آیینهای برای صداها: ۴۲۱).

"سبزنا": در موزه‌های نیزه‌گذاران دشت رزم / روید سبزنا و ببالید و زرد گشت (همان:

۱۰۷).

۲-۱۳- تحلیل برخی از ویژگی‌های اشعار زیست‌بومی شفيعی کدکنی:

۲-۱۳-۱- نگاه اخلاقی شفيعی کدکنی به طبیعت:

م.سرشک در قطعه «قصدرحیل»، با خیال شاعرانه دست یاری به سوی طبیعت می‌گشاید:

«دیری است/ مثل ستاره‌ها چمدانم را/ از شوق ماهیان و تنهایی خودم/ پر کرده‌ام، ولی/ مهلت نمی‌دهند که مثل کبوتری/ در شرم صبح پر بگشایم/ با یک ترانه و لبخند/ خود را به کاروان برسانم»

(شفيعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۹۶).

شاعر در این شعر، طبیعت زمینی (زیست بوم) و جهان آسمانی را به کمک عنصر خیال و تداعی ذهنی به گونه‌ای توصیف می‌کند که مخاطب را ترغیب نماید تا به زیست‌بوم نگاهی اخلاقی داشته باشد.

۲-۱۳-۲- آنیمیسم‌گرایی و شخصیت دادن به مظاهر طبیعت: شفيعی کدکنی،

با نگرشی بوم‌محور، به همه‌ی موجودات عالم، نگاهی ویژه دارد و برای آنان حق حیات قائل است. وی در پی دیدگاهی است که در آن، طبیعت در کنار انسان هویت مستقل پیدا کند؛ هویتی که باید آن را به رسمیت شناخت. در شعر «عبور» همه‌ی مظاهر حیات و هستی از

نگاه شاعر، زنده و دارای حیات‌اند. «سفر ادامه دارد و/ پیام عاشقانه‌ی کویرها به ابرها/ سلام جاودانه‌ی نسیم‌ها به تپه‌ها/ تواضع لطیف و نرم دره‌ها/ غرور پاک و برف پوش قله‌ها...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۵۹).

۲-۱۳-۳- احترام به طبیعت: نگاه شفیعی کدکنی به طبیعت از سر عشق و احترام است؛ او طبیعت را با همه‌ی وجود دوست دارد. تجلی شفیعی در شعر «راستی آیا»، نگاهی بوم زیستی و از سر احترام به کبوتر و شقایق که نماینده‌ی گونه‌های جانوری و گیاهی هستند؛ دارد. او، رود را هرچند گل‌آلود، مسیری برای رسیدن به حقیقت می‌داند: «باید از رود گذشت/ باید از رود/ اگر چند گل‌آلود/ گذشت/ بال‌افشانی آن جفت کبوتر را/ در افق می‌بینی/ که چنان بالا بال/ دشت‌ها را با ابر/ آشتی دادند/ راستی آیا/ می‌توان رفت و نماند/ راستی آیا/ می‌توان شعری در مدح شقایق‌ها خواند؟» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۷۰).

۲-۱۴- آسیب‌ها و بحران‌های محیط زیستی در اشعار شفیعی کدکنی: **۲-۱۴-۱- بحران‌های محیط زیست طبیعی:**

خشکسالی و بحران بی‌آبی: شفیعی کدکنی بحران خشکسالی و به تبع آن از بین رفتن گونه‌های جانوری و گیاهی را این گونه بیان می‌کند: «نمای دهکده آینه‌ی تهیدستی است/ درخت خشک کجی همچو دست مفلوجی/ شده است بیهوده از آستین جو بیرون/ نه خرمنی، نه گاو آهنی نه مزرعه‌ای/ نه آشیانه‌ی مرغی نه گله‌ای به چرا» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۳۲).

۲-۱۵- بحران‌های محیط زیستی عصر تکنولوژی:

- نابودی گونه‌های جانوری - نابودی گونه‌های گیاهی - عصر تکنولوژی، ماشین و نابودی طبیعت بکر

۲-۱۵-۱- نابودی گونه‌های جانوری: شاعر در شعر «تصویر» از مجموعه‌ی «آینه‌ای برای صداها»، با استفاده از صورخیال، با نگاهی ضمنی، نابودی گونه‌های جانوری و مظاهر طبیعی را هشدار می‌دهد. شفیعی در این شعر، زلال روشن چشمان محبوب را به آبشار کبود و نیزبه نگاه گوزنی مانند می‌کند که از بالای کوه، عبور سایه‌ی صیاد را از درون آب می‌نگرد.

۲-۱۵-۲- نابودی گونه‌های گیاهی: شفیعی کدکنی در شعر «مرثیه درخت»، توصیف طبیعت را بهانه‌ای برای بیان دغدغه‌های زیست محیطی خویش قرار می‌دهد. وی با استفاده از تخیل شاعرانه، همه‌ی تصاویر را به هم پیوند می‌دهد تا نابودی درخت و ایجاد بحران زیست محیطی و نابودی گونه‌های گیاهی را برای مخاطب به تصویر بکشد. شاعر

خود را در جایگاه درختی می‌بیند که در معرض انواع خطرهای است و حتی به او اجازه‌ی گریستن نمی‌دهند: «درسکوتی ای درخت تناور/ ای آیت خجسته‌ی درخویش زیستن/ ما را/ حتی امان گریه ندادند/ من اولین سپیده‌ی بیدار باغ را/ آمیخته به خون طراوت/ درخواب برگ‌های تو دیدم» (همان: ۱۸۴).

۲-۱۵-۳- عصر تکنولوژی، ماشین و نابودی طبیعت بکر: م.سرشک در قطعه «گل‌های زندان»، نگرانی خویش را از نگاه انسان محور مدرن و ماشینی ابراز می‌دارد. وی به وضوح این نگرانی را از انسان‌های منفعت طلبی که برای دست یافتن به مقاصد خودخواهانه، طبیعت بکر را جولانگاه تاخت و تاز خویش قرار می‌دهند؛ نشان داده و به تسلیم طبیعت و مظاهر آن در مقابل امیال بشر امروز اشاره کرده است:

«... مرغان صحرا خوب می‌دانند/ گل‌های زندان را صفائی نیست/ این جا قناری‌های محبوس قفس پیوند/ ... هرگز نمی‌دانند/ کاین تنگناشان پرده‌ی شور و نوایی نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۶۱).

۲-۱۶- آرمانشهر شفيعی کدکنی: م.سرشک در شهری که نام آن نیز بیانگر آرمانشهر وی است، مدینه فاضله‌ی خود را نشان می‌دهد. شعری به نام «ناکجا»؛ در این شعر، شاعر می‌رود و رخت از این زمین آلوده و چرکین بر می‌کشد؛ می‌رود به ناکجایی که در آن، نه جای پای کسی هست، نه آشنا و غریبه‌ای؛ جایی بکر و دوشیزه:

«من و شعر و جویبار/ رفتیم و/ رفتیم،/ به آنجا رسیدیم/ آنجا که دیگر، نه جای پای کسی بود و/ نه آشنا بود/ درختان به آیین دیگر،/ و مرغان به آیین دیگر،/ صدایی که می‌آمد از دور،/ صدای خدا بود،/ رها بود/ چراغش همیشه پر از روشنا بود/ نمی‌دانم آن جا کجا بود/ نمی‌دانم آن جا کجا بود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۵۰۵).

«شعر و جویبار»، همراهان شاعر در سفر به سوی آرمانشهر اویند. شفيعی در این سفر که مقصدی در منتهای عالم دارد، مشاهدات خویش را روایت می‌کند.

شفيعی کدکنی در این آرمانشهر از برخی محدودیت‌های دنیای عینی و واقعی با بیانی نمادین پرده برمی‌دارد: «کسی زیر بال پرستو و/ پروانه‌ها را/ نمی‌کرد تفتیش/ شقایق/ ز طوفان نمی‌گشت خاموش/ چراغش همیشه پر از روشنا بود» (شفيعی کدکنی، ۱۳۵۶: ۵۶).

۲-۱۷- رویکردهای شاعرانه‌ی زیست بوم و طبیعت در اشعار شفيعی کدکنی

۲-۱۷-۱- رویکرد سیاسی و اجتماعی: این رویکرد در اغلب اشعار شفيعی به ویژه در مجموعه اشعار "در کوجه باغ‌های نیشابور" با بسامد بالایی، به وضوح می‌توان ملاحظه کرد. این دفتر آغازی نوین در دوره‌ی شعری شاعر به حساب می‌آید؛ در این دفتر است که او به عنوان یکی از چند صدای موفق شعر نو شناخته می‌شود.

۲-۱۷-۲- رویکرد فرهنگی و انسانی: در مجموعه‌ی "از بودن تا سرودن"، جهت‌گیری دیگرشفيعی که همان رویکرد فرهنگی و انسانی شاعر است؛ نمایانده می‌شود.

۲-۱۷-۳- رویکرد طبیعت‌گرایانه: طبیعت و زیست بوم در اغلب اشعارشفيعی جلوه‌گری می‌کند. او در دفتر "از زبان برگ" که شاعر آن را در سال ۱۳۴۷ که از زادگاهش برای ادامه‌ی تحصیل به تهران رفت، سروده است؛ طبیعت و زیبایی‌های محیط زیستی، بزرگ‌ترین بن‌مایه‌ی الهام شاعر است. این زیبایی‌ها گاه احساسات غنایی شاعر را تحریک می‌کند و در حکم دل‌داده‌ی وی در می‌آید.

۲-۱۷-۴- رویکرد اقلیمی و بومی: رنگ محلی یا صبغه‌ی اقلیمی در شعر شفيعی که نماینده‌ی نگاه شخصی و صمیمی شاعر به زیست بوم است؛ رویکرد دیگری است که علاوه بر انعکاس در تصویرهایی که از طبیعت خراسان ارائه می‌دهد؛ در کاربرد واژه‌های محلی و بومی وی نیز تجلی یافته است.

۲-۱۷-۵- رویکرد محیط زیستی و بیان دغدغه‌ها و بحران‌های آن: شاعر در اغلب اشعار خود، توصیف طبیعت را بهانه‌ای برای بیان دغدغه‌های زیست محیطی خویش قرار می‌دهد. وی با استفاده از تخیل شاعرانه، همه‌ی تصاویر را به هم پیوند می‌دهد تا ایجاد بحران‌های زیست بومی را برای مخاطب به تصویر بکشد.

۲-۱۸- ارزیابی تطبیقی اندیشه‌های زیست‌بومی اخوان ثالث و شفيعی کدکنی: با اندکی تامل در آثار شاعران مورد پژوهش، می‌توان دریافت که آنان علاقه به طبیعت و زیست بوم خود را به صورت پیام‌های طبیعت‌گرایانه، آمیخته با ذهنیات فلسفی، اجتماعی و سیاسی به مخاطبان‌شان منتقل می‌کنند. هرچند این علاقه از شباهت‌ها و تفاوت‌هایی نیز برخوردار است. اخوان ثالث، شاعری سیاسی است و رویدادهای سیاسی که در زندگی‌اش اتفاق افتاده، به ویژه کودتای ۲۸ مرداد، بر شعر او تأثیر نهاده و سبب شده است که زبان وی نمادین شود. او در این دوره با آنکه تخلص «م.امید» داشت، ولی ناامیدترین و تاریک‌ترین شعرها را سرود. تا آنجا که او را شاعر شکست نامیدند. اخوان، طبیعت و مظاهر آن را بستری برای خلق اشعار سمبلیک (نمادگرایی) خویش نموده است؛ تا بتواند مقاصد سیاسی اجتماعی خویش را بدین وسیله بیان کند.

در اشعار شفيعی کدکنی علاوه بر استفاده‌ی شاعر از طبیعت و زیست بوم به شکل نماد برای بیان اهداف اجتماعی و سیاسی، طبیعت گاهی الهام‌بخش روحیه‌ی امیدواری، حیات و زندگی است. در شعر او، هیچگاه مخاطب نومید نمی‌شود یا سر از دنیای تیره و تاریک در نمی‌آورد. بنابراین می‌توان گفت؛ شاعران مورد پژوهش، نسبت به طبیعت و زیست بوم واکنش‌های متفاوتی داشته‌اند و مسائل محیط زیستی در آثارشان با رویکردهای مختلف

نمود پیدا کرده است.

۲-۱۹- علل و انگیزه‌ی طبیعت‌گرایی اخوان ثالث و شفیعی کدکنی

۲-۱۹-۱- اوضاع نابسامان جامعه عصر اخوان ثالث و شفیعی کدکنی:

روزگار جامعه‌یی که این دو شاعر در آن زندگی می‌کردند، توأم با خفقانی بود که بر کشور ایران حاکمیت داشت. م. سرشک برخلاف اخوان، هوادار هیچ حزب و گروه سیاسی نبود؛ در دل روزگار خود حضور داشت و به طور غیرمستقیم با ظلم، فساد و استبداد حاکم به شیوه‌های متفاوتی به مبارزه پرداخت. اخوان که از طرفداران حزب توده بود و مبارزات مستقیمی با دستگاه حاکم جامعه داشت؛ همین امر سبب گردید او اندیشه‌ی شاعرانه‌ی خود را تقریباً در خدمت اهداف سیاسی‌اش قرار دهد.

۲-۱۹-۲- تأثیر محیط زندگی و دوران کودکی و جوانی شاعران:

اخوان ثالث در سال ۱۳۰۷ در توس به دنیا آمد و در همان‌جا به تحصیل پرداخت. در دوره‌ی جوانی با وارد شدن در فعالیت‌های سیاسی، شعر خود را در خدمت اهداف خویش در آورد. آنچه در زندگی سیاسی این شاعر قابل تأمل است؛ احساس شکست و ناامیدی سیاسی بود که نگاه منفی را در اشعار اخوان ثالث رقم زد. او در سال ۱۳۲۷ که تازه برای سکونت از توس به تهران آمده بود، به غیر از سختی‌هایی که در تهران با آن مواجه گشت؛ اندوه غربت و دشواری زندگی در شهری ناآشنا و بی‌رحم، از عوامل تأثیرگذار شعر او بود؛ اما م. سرشک با توجه به این که در خانواده‌ای روحانی متولد شد و از کودکی به تشویق پدر به حفظ و فراگیری شعر و آثار ادبی و دینی پرداخت؛ تربیت و آموزش نخستین او، تربیت و آموزشی دینی و شاعرانه گشت. به همین دلایل، طبیعت برای وی الهام بخش روحیه‌ی امیدواری، حیات و زندگی است. در شعر شفیعی، هیچگاه مخاطب نومید نمی‌شود یا سر از دنیای تیره و تاریک در نمی‌آورد.

۲-۱۹-۳- مقتضیات ادبی و هنری در اشعار بوم‌محور شاعران به ویژه شفیعی

کدکنی انگیزه‌ی دیگر شاعران به بهره‌مندی از طبیعت در اشعارشان بود..

۲-۲۰- مضامین مشترک زیست‌بومی و طبیعت‌گرایی اخوان ثالث و شفیعی

کدکنی:

۲-۲۰-۱- تأثیر زیست‌بوم‌های مختلف زمانی اخوان ثالث و شفیعی کدکنی

در اشعار آنان.

۲-۲۰-۲- اشاره به بی‌توجهی انسان‌ها به طبیعت و حیات وحش.

۲-۲۰-۳- تکنولوژی و رشد شهرنشینی و نابودی زیست‌بوم و طبیعت. ۴-۵-

بحران آلودگی خاک و نابودی جنگل‌ها.

- ۲-۲۰-۴-آلودگی آب. ۲-۲۰-۵-آلودگی هوا. ۲-۲۰-۶-نابودی
گونه‌های گیاهی و جانوری.
۲-۲۰-۷-بیابان‌زایی
۲-۲۰-۹-جست و جوی آرمانشهر مطلوب در اشعار.
۲-۲۱-وجوه متفاوت طبیعت‌گرایی اخوان و شفیعی کدکنی:

مضامین مشترک طبیعت‌گرایی در اندیشه‌ی اخوان و شفیعی کدکنی ما را از وجوه متفاوت دیدگاه‌های آنها غافل نمی‌سازد. شاعران مورد پژوهش به دلیل بالیدن و زیستن در اقلیم‌های متفاوت، توجه ویژه‌ای به فضا، عناصر بومی و مکان‌های مربوط به آن در اشعارشان، دارند. همین تفاوت نگرش، موجب تفاوت در رویکرد های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زیست بومی در اشعار آنان گردیده است. این تفاوت ها عبارتند از:

۲-۲۱-۱-نوع بهره‌مندی از زیست‌بوم و طبیعت: این شاعران به طبیعت علاقه‌مندند؛ اما در این میان، کلام شفیعی در برخورد با طبیعت، از احساس مثبت بیشتری برخوردار است و احساس نزدیکی بیشتر با طبیعت دارد. اظهار لذت از دیدار جلوه‌های طبیعی، بخشی از این احساس مثبت است.

اما اخوان به طبیعت نومی‌نگرد بسامد بالای «تشبیهات سیاه» و تصاویر تیره و تلخ محصول همین احساس منفی او به طبیعت و زیست‌بوم شاعر است. از طرفی، اخوان اغلب طبیعت را بستری برای بیان مقاصد سیاسی خویش قرار داده و به شکل نمادین از آن بهره می‌برد؛ اما شفیعی کدکنی گاهی از طبیعت به شکل سمبلیک برای مقاصد سیاسی-اجتماعی خود و زمانی از طبیعت و مظاهر آن برای توصیف زیبایی‌های خدا آفریده، استفاده می‌کند.

۲-۲۱-۲- نوع نگرش به آرمانشهر:

اخوان ثالث و شفیعی کدکنی، دو شاعر صاحب درد و دغدغه‌مند، هر یک از زاویه‌ای خاص به ترسیم آرمانشهر شخصی خود پرداخته‌اند و آرمانشهر آنان شباهتی به هم ندارد. آرمانشهر اخوان، قوانین آن منحصر به فرد است و هیچ گونه بی‌عدالتی، ظلم، فساد، بی‌حرمتی، شکسته شدن اندیشه، شخصیت و حرمت انسان در آن دیده نمی‌شود. مدینه ی فاضله‌ای است که دین، سیاست، اندیشه و تمام ابعاد شهری آن باشکوه است.

اما شفیعی کدکنی در شهری که نام آن نیز بیانگر آرمانشهر وی است، مدینه فاضله‌ی خود را نشان می‌دهد. شهری به نام «ناکجا» که شاعر به سوی آن می‌رود؛ به ناکجایی که در آن، نه جای پای کسی هست، نه آشنا و غریبه‌ای، جایی بکر و دوشیزه: "من و شعر و

جوبار، رفتیم و رفتیم / به آنجا رسیدیم / آنجا که دیگر / نه جای پای کسی بود نه آشنا بود" (شفیعی کدکنی، بوی جوی مولیان: ۵۶) جایی که در آنجا صدای خدا شنیده می‌شد. شفیع کدکنی برای یافتن آرمانشهر دلخواهش به جایی می‌رود که در آن درختان و پرندگان و جتی جانداران، به سبک و سیاق دیگری زندگی می‌کنند جایی که در آنجا به جز خدا چیز دیگری را نمی‌توان دید: درختان به آیین دیگر / و مرغان به آیین دیگر / صدایی که می‌آمد از دور / صدای خدا بود / رها بود در این آرمانشهر از برخی محدودیت‌های دنیای عینی و واقعی با بیانی نمادین پرده برمی‌دارد: «کسی زیر بال پرستو و / پروانه‌ها را / نمی‌کرد تفتیش / شقایق / ز طوفان نمی‌گشت خاموش / چراغش همیشه پر از روشنا بود» (همان). آ

۳- نتیجه‌گیری

مقاله‌ی حاضر با پرداختن به مقوله‌ی زیست بوم در اشعار اخوان ثالث و شفیع کدکنی از منظر نقد بوم‌گرا، به تحلیل و بررسی کیفیت نقش‌آفرینی طبیعت و محیط زیست در خلق اشعار آنان پرداخته تا بدین وسیله رابطه‌ی بین ادبیات و محیط زیست را نشان دهد. با توجه به این که در عصر تکنولوژی و زندگی ماشینی، طبیعت و محیط زیست صرفاً توصیف نیست؛ بلکه به شیوه‌های مختلف درآفرینش اشعار بوم محور شاعران مورد پژوهش اثرگذار بوده است. برقراری تقابل میان عناصر سه‌گانه‌ی زیست محیطی طبیعی، مصنوعی و اجتماعی و غلبه‌ی زیست بوم اجتماعی و مصنوعی در این تقابل در اشعار اخوان و شفیع کدکنی، همچنین رویکردهای شاعران به طبیعت و زیست بوم برای بیان مقاصد خویش و نیز نموده‌های مقتضیات ادبی و هنری آنان، درون مایه‌ی و مضمون اصلی اشعار طبیعت محور آنان است.

این دو شاعر، به حفاظت از محیط زیست و هشدار برای پاسداشت آن، عنایت داشته‌اند؛ لذا توجه به آن به عنوان یک ضرورت در شعرشان مطرح شده است. آنان در زمینه‌ی طبیعت‌گرایی دارای اندیشه‌های مشترک و متفاوتی هستند؛ تأثیر زیست‌بوم‌های مختلف زمانی شاعران بر اشعارشان و نیز تأثیر شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی جامعه بر ذهن و زبان آنان، نگاه آئیمیمی به زیست بوم و طبیعت و توجه به بحران‌های زیست محیطی، بخشی از مؤلفه‌ها و مصادیق مشترک اشعار بوم محور شاعران مورد پژوهش و نوع بهره‌مندی از طبیعت و زیست‌بوم و نگرش ویژه به آرمانشهر مطلوب، تفاوت عمده‌ی طبیعت‌گرایی آنان است.

مهم‌ترین رویکردهای شاعرانه‌ی طبیعت‌گرای اخوان عبارتند از: رویکرد سیاسی و اجتماعی و بیان دغدغه‌های محیط زیستی؛ اما شفیع کدکنی علاوه بر رویکردهای فوق به

طبیعت و زیست بوم، به جنبه‌های دیگری همچون رویکرد اقلیمی و رنگ محلی، رویکرد فرهنگی و انسانی و جنبه‌های زیبایی‌شناسانه‌ی زیست بوم نیز توجه و التفات دارد. این مقاله با پرداختن به موضوع طبیعت و زیست بوم در اشعار اخوان و شفيعی کدکنی، بر اهمیت موضوع محیط زیست و هشدار برای حفاظت از آن در برابر آثار مخرب و نابودکننده‌ی رشد صنعت و پیشرفت‌های فناورانه تأکید نموده، بر آن است تا با گسترش پژوهش‌های جامع‌تر، زمینه ساز غنای این حوزه‌ی مطالعاتی جدید گردد.

فهرست منابع

- ۱- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۶۸)، تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم، چ اول، تهران: مروارید.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۰ الف)، در حیات کوچک پاییز در زندان، زندگی می‌گوید، چ سوم، تهران: بزرگمهر.
- ۳- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۰ ب)، زمستان، چ یازدهم، تهران: مروارید.
- ۴- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۵)، آخر شاهنامه، چ سیزدهم، تهران: مروارید.
- ۵- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۹)، از این اوستا، چ یازدهم، تهران: مروارید.
- ۶- پارساپور، زهرا، (۱۳۹۲)، درباره‌ی نقد بوم‌گرا، چ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۷- پارساپور، زهرا، (۱۳۹۱)، «نقد بوم‌گرا، درآمدی بر بوم‌نقد»، فصلنامه نقد ادبی، سال ۵، دوره ۱۹، ص ۸ - ۲۶.
- ۸- پارساپور، زهرا، (۱۳۹۵)، «ملاحظات اخلاق زیست محیطی هدایت و چوبک»، نقد دو داستان، فصلنامه نقد ادبی، دانشگاه تربیت مدرس، س ۹، ش ۳۶، صص ۷۳-۹۵.
- ۹- پارساپور، زهرا، (۱۳۹۵)، «ادبیات سبز»، مجموعه مقالات درباره‌ی نقد بوم‌گرایانه ادبیات فارسی، چ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۹۱)، مبانی محیط زیست، چ دوم، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- ۱۱- ذوالفقارخانی، کمال، (۱۳۹۵)، «بررسی زیست بوم در شعر فروغ فرخ‌زاد بر اساس بوم فمینیسم»، فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری، س اول، ش ۲، صص ۱۴۲-۱۱۵.
- ۱۲- زرقانی، سید مهدی، (۱۳۸۷)، چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- ۱۳- شفيعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- ۱۴- شفيعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۶)، آینه‌ای برای صداها، چ پنجم، تهران:

سخن.

- ۱۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۴۷)، *از بودن و سرودن*، تهران: توس.
- ۱۶- عابدی سروسرستانی، احمد و دیگران، (۱۳۹۱)، *مبانی و رهیافت‌های زیست محیطی*، چ اول، تهران: انتشارات موسسه پژوهشی حکمت.
- ۱۷- عباسی، حبیب‌الله، (۱۳۸۷)، *سفرنامه باران*، تهران: سخن.
- ۱۸- فیروزی، مهدی، (۱۳۸۴)، *حق بر محیط زیست*، چ اول، تهران: جهاددانشگاهی.
- ۱۹- لوئی پویمان، (۱۳۸۲)، *اخلاق زیست محیطی*، ترجمه محسن ثلاثی، ج اول و دوم، تهران: نشر توسعه.
- ۲۰- وهاب‌زاده، عبدالحسین، (۱۳۸۲)، *اخلاق محیط زیست*، مشهد: نشر جهاد دانشگاهی.

- 21-Glotfelty- Cheryll and Ferom –Harlod .(1995). The acocriticism Reader –Landmarks in Literary Ecology-Athens and London:The University of Georgia press.
- 22-Kerridge –Richard- Sammells-Neil .(1998).Writing the environment: ecociticism and Literature. First published London zed Book.
- 23-Rueckert-William. (1995). Literary and Ecology An In:"The ecocriticism .123-Experiment in Ecociticism"pp:105 Reader-Landmarks in Literary ecology.Edited by cheryll Glotfelty and Feromm-Athens and London:The University of Georgia press.